**باسمه تعالی**

**صورتجلسه دیدار ماهانه اعضاء محترم هیئت علمی با هیئت محترم رئیسه پژوهشگاه**

**(مورخ 12/04/96)**

جلسه با قرائت آیاتی از کلام­الله مجید آغاز گردید. سپس سرکار خانم دکتر نصیری، سرپرست محترم دفتر امور هیئت علمی ضمن خوش­آمدگویی به اعضاء محترم و ایراد سخنرانی از جناب آقای دکتر علیرضا منصوری، مدیر محترم گروه پژوهشی فلسفه علم و فناوری، به منظور ارتقاء مرتبه علمی ایشان دعوت به عمل آوردند تا در مورد موضوع سخنرانی ایشان با عنوان «چگونه دانشیار شدم؟» صحبت کنند. سپس از جناب آقای دکتر علم­الهدی به منظور ارائه گزارشی در مورد کمیسیون­های طرح­های پژوهشی دعوت به عمل آمد تا توضیحاتی را برای اعضاء محترم هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ارائه دهند. ایشان در ارتباط با مسئله کمیسیون طرح­های پژوهشی اینگونه مطرح فرمودند:

یک ناگزیری­ای پژوهشگاه را بر این داشت تا کمیسیون را راه­اندازی کنند. و آن این بود که تعداد طرح­های پژوهشی که توسط دوستان تکمیل و ارائه می­شود به معاونت پژوهشی از ظرفیت شورای پژوهشی بیرون است و در طول سال اگر ما تعداد جلسات را در نظر بگیریم به نسبت سالهای گذشته، تعداد افزایش پیدا کرده است. ما تقریباً یک هفته درمیان یا هر هفته شورای پژوهشی داشتیم. و در هر جلسه بیش از یک طرح بررسی و مطرح نمی­شد مضاف بر اینکه شورای پژوهشی وظایف دیگری نیز به عهده دارد. مباحث کلان، سیاستگذاری و... و این مسئله که ما زمان نداشتیم ما را رهنمون کرد به اینکه به طرف یک راه­حل که یک شورا یا یک کمیسیونی را به عنوان قائم­مقام شواری پژوهشی قرار دهیم و بگوییم در آن کمیسیون تا جایی که می­شود بحث­ها تنقیح و چکش­کاری شود و تا جایی که ممکن است حل شود و در شورای پژوهشی گزارشی از کمیسیون داده شود و آن گزارش مورد تأیی و یا رد قرار بگیرد. پس فلسفه آن این بود.

در ابتدا دوستان منتقد یا مدافع بودند و ما ساختار را به این صورت طراحی کردیم و گفتیم یکی دو عضو حقوقی، مدیر امور پژوهشی عضو حقوقی کمیسیون باید حتماً باشند. رئیس پژوهشکده­ای که این طرح جزء آن پژوهشکده است عضو حقوقی باید باشند و یک نفر دیگر را هم اضافه کردیم به عنوان مجری طرح که اضافه شوند پس سه نفر یکی رئیس پژوهشکده یکی مدیر امور پژوهشی و یکی مجری طرح. و گفتیم که در این کمیسیون باید باشند.

ساختار اولیه این بود که ما بیاییم چند عضو ثابت قرار دهیم و چند عضو متغیر. برای عضوهای ثابت هم افرادی کاندید و پیشنهاد شدند و مورد رأی­گیری قرار گرفت و چند عضو ثابت مشخص گردید و سه یا چهار نفر به عنوان عضو ثابت و بعد چند نفر هم عضو متغیر بر اساس تخصص موضوعی بر اساس اینکه چه موضوعی قرار است مطرح شود. و بعد از دوهفته با توجه به بحث­هایی که مطرح شد و باعث شد که ما اصلاً عضو را حذف کنیم و هیچ­کس عضو ثابت نباشد و اعضای ثابت همان عضوهای حقوقی باشند. و آن عضوهای حقوقی هم به خاطر اینکه رئیس پژوهشکده عوض می­شوند تغییر پیدا می­کنند. قرار شد که مصوبة دوم با تکمیلی­ای که در شورا مطرح شد تمام اعضاء شورای پژوهشی بنابر اصلاحیه شدند عضو کمیسیون. به چه معنا؟ به این معنا که مدیریت امور پژوهشی که وقتی یک کمیسیونی می­خواهد تشکیل شود از همة عضوهای شورای پژوهشی که حدود 29 نفر اعضاء هستند گفتند همه اعضاء می­توانند در این کمیسیون شرکت کنند و عضویت و حق رأی دارند. دو سه نفر مجبورند باشند. مثلاً رئیس پژوهشکده، مجری طرح و مدیریت امور پژوهشی. اما اعضاء دیگر از آنها دعوت می­شوند که حتماً بیایند ولی در عمل اکثر اعضاء پژوهشی استقبالی از شرکت در جلسات کمیسیون نمی­کنند. بعضی از دوستان مقیدند شرکت کنند و یک ذهنیتی ایجاد شده بود که ما چند عضو ثابت داریم و بقیة اعضاء شورای پژوهشی عضو نیستند. شما متعلق به هر پژوهشکده ای که هستید از رئیس پژوهشکده و اعضاء بخواهید که حتماً شرکت کنند.

بعد از تشکیل شدن تقریباً حدود چهل جلسه از کمیسیون ایراداتی به آن وارد شد. یکی همان بحث ثابت و متغیر بود که به ذهن بعضی­ها آمد که بعضی­ها ثابت هستند و ما به آنها گفتیم که تنها عضو ثابت مدیر امور پژوهشی است و بقیة اعضاء ثابت نیستند. از ایرادات دیگر این بود که می­گفتند در کمیسیون حالت تخصص­محوری در آن رعایت نمی­شود و می­گفتند مثلاً در کمیسیونی که موضوع فلسفی بوده اشخاصی که بودند اینها در رشتة دیگری تحصیل کرده­اند و تخصص دارند. ایرادات آنها از یک جهت وارد بود که حقئ با آنهاست به جهتی که ما اگر بخواهیم به صورت تخصصی طرح را بررسی کنیم باید متخصصین بررسی بکنند ولی از جهتی حق با آنها نیست. به جهت اینکه باید بدانیم در کمیسیون چه بحث­هایی مطرح می­شود. در کمیسیون چند محور را دوستان تأکید می­کنند که انصافاً به تخصص آن رشته مطرح نمی­شود. یکی تأکید می­کنند روی اینکه اصلاً این موضوع به درد پژوهشگاه می­خورد یا خیر؟ و اتفاقاً باید از رشته­های گوناگون باشند یا بگویند این موضوع برای پژوهشگاه مناسب هست یا خیر؟

جهت دیگری که در کمیسیون روی آن کار می­شود این است که در برنامة توسعة پژوهشگاه (5 ساله) جای این تحقیق کجاست؟ آیا در پژوهشگاه حضور داشته؟

جهت دیگر بحث روش تحقیق است. روش تحقیق یک بحث خاص در رشته­های مختلف دارد اما یک بحث عام هم دارد. گاهی وقتها در بعضی از کمیسیون­ها در واقع ایراد به پژوهشکده است. چطور شورای پژوهشکده یک طرحی را تصویب کرده است که اصلاً ایراد روشی دارد، ایراد منبع تحقیق دارد، یا اصلاً بعضی از کارها تکراری است و اتفاقاً اگر اساتید در رشته­های مختلفی ایرادی از کار بگیرند مشخص می­شود که این کار چقدر ایراد دارد یا مثلاً تکراری است.

بحث بعدی بحث مسئله­مندی است. و اصلاً این تحقیق و موضوع مسئلة آن چیست؟ چه مسئله­ای را میخواهد حل کند؟ چه گره­ای را می­خواهد بگشاید؟

بحث بعدی بحث کاربردی بودن است. کاربرد این تحقیق چیست؟ به در چه چیزی می­خورد؟

در پی بحث­هایی که مطرح شد قرار بر این شد که علاوه بر رئیس پژوهشکده و خودِ مجری محترم، و علاوه بر اینکه همة اعضاء پژوهشی می­آیند، رئیس پژوهشکده می­تواند (الزام نیست) 2 نفر در آن حوزة تخصصی که عضو آن شورای پژوهشی هم نیستند حالا ترجیحاً مدیر گروه تخصصی که حالا آن محقق محترم مربوط به آن گروه هست، 2 نفر از حوزة تخصصی در آن رشته هم می­توانند در کمیسیون دعوت کنند. یعنی علاوه بر اینکه همة اعضاء هستند برای اینکه بحث تخصصی آن بالاتر رود، دو نفر از حوزة تخصصی هم به تشخیص پژوهشکده دعوت شوند. مضاف بر اینکه کمیسیون این بسته را محیا ساخت برای اینکه اعضاء محترم هیئت علمی خودشان بتوانند از طرح خودشان دفاع کنند. یکی از مشکلاتی که ما قبلاً داشتیم این بود که خیلی وقتها رئیس پژوهشکده­ها به دلیل عدم تطبیق رشته خودشان با رشتة محقق محترم که در پژوهشکده هست یا به دلیل اینکه از جهات مختلف هم­جهت نیستند و یا غیره، نمی­توانست انچنانکه باید و شاید از طرح دفاع کند. و کمیسیون این فرصت را پیدا بوجود آورده که خودِ محقق از طرحش دفاع کند و نیازی به واسطه نباشد.

گاهی وقتها به ما نقل­قول می­کنند که با یک لحن تند یا سنگین برخورد می­شود. در صورت اتفاق این موارد ما نباید یک ساختاری را زیر سؤال ببریم بخاطر یک رفتار. فرض بر قصد توهین، ما نباید یک ساختار عقلانی را بخاطر یک رفتار تخطئه کنیم و سعی کنیم که رفتار را اصلاح کنیم. شاید در بعضی موارد مبالغه شده و یا نقل­قول شده است و باید اصلاح شود که باعث کدورت و دل­شکستگی نشود و هیچ­کس نباید باعث آزردگی­خاطر شود.

در صورت داشتن راهکار برای اصلاح این کمیسیون راه برای اصلاح باز است. و یک نکتة دیگر اینکه در حال­حاضر طرحی برای نوبت در شورای پژوهشی نیست. قبلاً چندین طرح در نوبت بودند و این خود یک گام مثبت برای حل مشکلات است.

جلسه با پرسش و پاسخ از سوی اعضاء محترم هیئت علمی و هیئت محترم رئیسه ادامه یافت. و سرکار خانم دکتر صانع­پور، عضو محترم هیئت علمی پژوهشگاه در پرسش به مسئلة خود چنین فرمودند:

**سرکار خانم دکتر صانع­پور:** پرسش بنده صرفاً شخصی نیست. راجع به اساتید جوانی است که تازه آمدند و از هفت­خان گذشتند و لازمة جذب آنها این بوده است که کلی کار انجام دهند. مانند مقالات علمی پژوهشی، بهترین دانشجوی دورة دکتری باشند، بهترین دفاع را از رسالة دکتری خود کرده باشند، و سند راهبردی به ما داده شده که بر اساس این سند راهبردی طرح­های خود را مطرح کنید که اگر در این سند نگنجد، قابل­قبول نیست. و همه افراد تیزهوش همة اینها را درک می­کنند. و هر پژوهشکده­ای یک تعداد اعضاء هیئت علمی دارد که به صورت تخصصی می­توانند جمع شوند و اگر قرار باشد طرح ما مطرح شود باید در حضور خودِ اعضای متخصص باشد و نه غیر تخصصی. و ما کمتر از یک دانشجوی دکتری که میخواهد دفاع کند از رسالة خودش و اساتید هم متخصص هستند و اساتیدی که استاد مشاور هستند فقط در صورت نظر می­دهند نه در محتوا. و بعد طرح و تحقیق به صورتی نیست که برای پژوهشکده تکلیف معلوم کنیم. این پژوهشکده است که تکلیف معلوم می­کند برای جامعه که در چه زمینه­ای تحقیق کند. در پژوهشگاه هر کسی باید جای خودش باشد و هر کسی باید در رشتة تخصصی خودش اظهارنظر کند. ما باید حرمت اعضاء را داشته باشیم. خودِ پژوهشکده­ها باید نظر بدهند و دو یا سه نماینده از طرف پژوهشگاه هم حضور داشته باشند که طرح­ها داخل پژوهشکده­ها بررسی شود تا خدای نکرده بی­حرمتی به شخصی نشود.

**جناب آقای دکتر سپنجی:** بحث ما بحث مسئله­محوری است.دغدغه­های پژوهشگر و احترام به پژوهشگر چه جایگاهی دارد. هرکسی در حوزة خودش دغدغه دارد. و محمل قانونی این کمیسیون روشن و معلوم نیست و همة اعضاء شورای پژوهشی عضو آن هستند. پس چرا اصلاً کمیسیون تشکیل می­شود؟ اگر ما دغدغة داریم که پژوهشگر یک کار خاص را انجام دهد که با راهبردهای پژوهشگاه بخواند، خوب پژوهشگاه می­تواند سفارش دهد. که یک کاری یک چارچوب خاص با این پروپوزال پُر کنید و به ما تحویل دهید. و دیگر توان علمی و دغدغه­های علمی پژوهشگر در محیط تقریباً صفر می­شود. و همچنین از افراد متخصص غیر عضو شورای پژوهشگاه هم از خارج از پژوهشگاه دعوت به عمل آورید.

**سرکار خانم دکتر دلیر:** وقتی طرح­ها مسئله­مند هستند به هیچ عنوان با زمان یکسال جور نیست. حداقل دو سه سال به بالا. و باید در عین حال تمام حق و حقوق ما در زمینة ترفیع حتی اگر سه سال هم طول بکشد داده شود. نکتة دیگر اینکه می­گویند هم مسئلة درون­دانشی مطرح شود و هم مسئلة برون دانشی. و مواردی که ما کار می­کنیم هیچ سنخیتی با مسائل روز ندارد و حتی متخصصان می­گویند شما مثلاً راجع به دولت می­خواهیم کار کنیم می­گویند نه این دولت مدرن نیست. راجع به مردم میخواهیم کار کنیم می­گویند شهروند نیست می­آئیم راجع به حکومت کار کنیم می­گویند ربطی به معاصر ندارد و این نقض علم است که ما به همه چیز معاصریت ببخشیم و این نیست که ما همه چیز را فقط در زمان حالِ خودش ببینیم و اگر این چنین بود نمی­توانستیم پیشرفت کنیم. کسانی پیشرفت می­کنند که توانسته­اند همزمان در گذشته و آینده تعمق و تأمل کنند. و معاصریت یک اشکال در ساحت علم است. پژوهشگر تعیین می­کند که چه کار بکند. ما باید مسیر را طی کنیم تا بعد متوجه بشویم که مسئله ما چه چیزی است یعنی زمانیکه شاید ما به کمیسیون می­آئیم هنوز ندانیم که مسئلة ما چیست؟ و اینکه ما باید تا انتها طرح را انجام دهیم تا متوجه شویم و یا شاید متوجه این نکته شویم که چیزی که در ابتدا مسئلة ما بوده الآن دیگرآن چیز مسئله نمی­توانسته باشد و یا حل شده توسط دیگران و یا خودمان به درک و دریافت دیگری دست پیدا کنیم. و اگر اصرار بر این باشد درست نیست و در زمان محدود با توجه به اینکه ما کارهای دیگر پژوهشی و اجرایی را نیز باید انجام دهیم طبق آئین­نامه استخدامی اعضاء هیئت علمی باید 100 الی 150 صفحه تألیف انجام دهیم. ما ممکن است چندین مقاله علمی انجام داده باشیم و حتی یک خط آن نیز برای ما محسوب نشود در صورتیکه مقالة علمی پژوهشی چقدر زحمت دارد و برای ما تکلیف می­کنند که یک طرح درون­دانشی و برون­دانشی و کاربردی و ... انجام شود که این یک مسئلة شاقی است که اگر بخواهد با این نحو دیده شود و تبدیل به اجبار شود بدون اینکه پیامدها، عواقب و مسائل جانبی آن مشاهده شود، پس زده خواهد شد. و پژوهشگر احساس می­کند که دارد به آن ظلم می­شود و کمیسیون اگر بتواند در مسیر منطقی خودش پیش برود ما استقبال می­کنیم و از اینکه یک متخصص بیاید و طرح­ها را بررسی کند خیلی شاکر هستیم و خوشحال می­شویم ولی وقتی به نوعی برخورد می­شود که خارج از توان پژوهشگر است باعث می­شود که پژوهشگر در مورد کمیسیون و مسائل آن با یک دید دیگری نگاه کند. به پژوهشگرها فرصت بیشتری بدهیم و افراط و تفریط در مسائل نباشد و به پژوهشگر اعتمادبه­نفس و باور بیشتری بدهیم و اجازه دهیم تا خودش پژوهش کند و می­توانیم برای طرح­هایی که به این روند انجام شود، امتیازاتی قائل شویم تا پژوهشگران تشویق شوند به سوی اینگونه طرح­ها بروند یعنی بسته­های تشویقی در نظر گرفته شود. و این که ما وادار کنیم که همه یک روند خاصی را به یک شکل طی بکنند، درست نیست. جامعة بشری با تفاوتها شکل می­گیرد و معنا می­یابد و اجازه دهیم که این تفاوتها بروز پیدا کند.

**جناب آقای دکتر رجبی:** بحث روش تحقیق، بحث مسئله­مندی و بحث کاربردی بودن هر طرحی منوط به فرمت پروپوزال است. اصلاَ معقول نیست که پژوهشکده­های مختلف یک پروپوزال با یک فرمت داشته باشند. معلوم است که مسئله­مندی، روش، کاربردی بودن یک موضوع مثلاً در پژوهشکده تاریخ هیچ ربطی به مثلاً پژوهشکده فلسفه ندارد. و همچنین پژوهشکده­های دیگر. و وقتی این مسئله برطرف نشود بروز و ظهور آن در کمیسیون پیدا می­شود. و وقت دوستان گرفته می­شود و اگر کسی بخواهد کمی ظرائف را بداند و هر مسئله­ای را می­تواند به نحوی کاربردی بودنش را توجیه کند و ربط بدهد به یکی از بندهای سند چشم­انداز و یک کار صوری و بیهوده است. بنابراین مشکل هر چند ربط مستقیمی به کمیسیون نداشته باشد باید حل شود. نکتة دوم اینکه ما سه مرحلة تصمیم­گیری برای طرح داریم: یکی درون پژوهشکده است. پس از تصویب در شورای پژوهشی پژوهشکده و مجدداً پس از تصویب براش شورای پژوهشی برود. چرا باید انقدر وقت پژوهشگاه و پژوهشگر گرفته شود. اگر پژوهشگاه یک تکلیف اداری بر دوش خود احساس می­کند خوب می­شود این تصویب­ها را به جای سه تا، بیشتر هم کرد و اگر متخصصین یک رشته برای تصویب طرح گرد هم بیایند شاید نتوانند جنبه­های غیرتخصصی طرح را که اعم از کاربردی بودن، متناسب بودن با ایده­های کلان پژوهشگاه تشخیص دهند. بنابراین افرادی بیرون از حوزه حضور داشته باشند که نظر بدهند و این اصلاً کار عاقلانه­ای نیست. و باید درون خودِ شورای پژوهشی پژوهشکده سنجیده شود. یعنی خودِ افراد چکش­کاری کنند و برای شورا بفرستند و بار تخصصی باید افزایش پیدا کند و افراد متخصص نیز از بیرون از پژوهشگاه دعوت شوند. همچنین گاهی اوقات بحث­های محتوایی نیز در کمیسیون می­شود و این واقعاً زائد است.

**سرکار خانم دکتر نعمتی:** در شورا قبلاً نیز از تخصص­های گوناگون دعوت می­کردید و کمیسیون­ها الگوی همان شورا هستند، پس یک مرحلة اضافه انجام شد.و شما بار شورای پژوهشی را کم کردید ولی در عمل آن بار زمانی شورا که کم شد را به دوش پژوهشگر افزودید. و هیچ کس هم پاسخگو نیست. و ضمن اینکه دانشگاه­های دیگر این مسئله را سالهاست که حل کردند. مثلاً وقتی میخواهند یک پروپوزال ارشد و دکتری تصویب کنند آن چیزی که گروه و دانشکده آن را تصویب می کند دیگر تمام می­شود و دیگر تمام رشته­های دانشگاه را جمع نمی­کنند برای تصویب یک پروپوزال که نظر بدهند. مثلاً رشته تربیت بدنی نمی­تواند در مورد فیزیک نظر دهند و این معقول به نظر نمی­رسد.

**جناب آقای دکتر علم­الهدی در پاسخ فرمودند:** ما در یک مرحله این کار را انجام دادیم و گفتیم در پژوهشگاه، پروپوزال­های مربوط به دانشجویان ارشد که تعداد اعضاء آن پژوهشکده بالای 6 نفر است دیگر در شورای تحصیلات تکمیلی نیاید و در خودِ پژوهشکده تصویب شود اما در مورد پژوهشکده­هایی که تعداد اعضاء آن 3 نفر است چه باید کرد؟

**سرکار خانم دکتر نعمتی:** در شورا باید مستند صحبت شود و اگر در مورد کاری گفته می­شود که مثلاً تکراری است و صدها کار تا به حال صورت گرفته، نام ببرند.

**جناب آقای دکتر رفیعی:** سؤال من در مقام یک عضو شورای گروه و عضو شورای پژوهشکده است. فرایند طرح­ها به این صورت است که پس از اینکه توسط مجری طرح پیشنهاد می­شود اول در شورای گروه مطرح می­شود و بعد دو یا سه جلسه طرح بررسی می­شود و به مسائل آن رسیدگی می­شود و بعد به شورای پژوهشکده می­آید و در شورای پژوهشکده باز دو یا سه جلسه راجع به آن رسیدگی می­شود و بعد به کمیسیون می­رود و در مواقعی در کمیسیون به این نتیجه می­رسند که اصلاً طرح به دردِ پژوهشگاه نمی­خورد. پس بنابراین این فرایند غلط است. طرح اول باید در کمیسیون مطرح شود و ببینیم که آیا طرح به دردِ پژوهشگاه می­خورد یا خیر؟ و اگر متناسب نیست چرا ما به عنوان عضو شورای گروه و عضو شورای پژوهشکده این همه وقت را صرف بررسی یک طرح بکنیم؟

**جناب آقای دکتر علم­الهدی:** در پژوهشکده­ها بررسی می­کنند که آیا این مجری توانایی انجام کارکردن در حوزة مربوطه را دارد یا خیر؟ و آیا کار قبلاً سابقه داشته یا خیر؟ و در آن رشتة تخصصی این کار علمی هست یا خیر؟ و اینکه کاری شاید خیلی علمی و خوب باشد ولی در راستای مأموریتهای پژوهشگاه نباشد، تشخیص چنین مسئله­ای به عهدة شورای پژوهشی می­باشد. و شاید از تشخیص پژوهشکده خارج باشد و ما می­گوئیم که می­تواند انجام دهد و ما بحث­های محتوایی را واگذار می­کنیم و به عهده خودِ پژوهشکده­هاست.

**جناب آقای دکتر محمدی:** اول اینکه وقت نوشتن پروپوزال را حداقل 4 ماه برای آن در نظر بگیرید.چون نوشتن پروپوزال یعنی یک سوم کار. دوم اینکه استادان در حد یکی دو هفته پروپوزال را بنویسند و بقیة وقت را صرف کامل کردن آن بکنند.

**سرکار خانم دکتر افراشی:** وقتی زیادی از پژوهشگاه صرف مطالعة پروپوزال­ها می­شود. مگر اعضاء با حجم کاری زیادی که دارند در هفته چند صفحه از آن را می­رسند که مطالعه کنند. و بعید به نظر می­رسد که پروپوزال­هایی که به کمیسیون می­رسند تمام آنها مطالعه شده باشند و آیا وقت آن نرسیده که نگاه تازه­ای داشته باشیم و چرا باید در دام 40ـ30 صفحه­ای بمانیم که گاهاً اصلاً خوانده نمی­شود. باید یک سقفی داشته باشیم و ساختار طرحنامه­ها بازنگری شود و مثلاً در 5 صفحه توضیح داده شود. و وقت کمی از محقق و ارزیاب تلف شود. و نکات مبهم توسط مجری طرح توضیح داده شود.

در پایان جلسه جناب آقای دکتر قبادی، ریاست محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی مطالبی، به اهمیت موضوع کمیسیون­ها اشاره نمودند و به برخی از مسائل پاسخ دادند و نکاتی را فرمودند:

**جناب آقای دکتر قبادی:** در طی 5 ماهی که قرار بر تشکیل کمیسیون شورای پژوهشی شد، حدود 40 جلسه برگزار گردیده است. و از ترافیک طرح­ها جلوگیری شده است. حتماً کاستی­هایی متوجه کمیسیون هست ولی چیزی که مایة امیدواری است احساس همدلی است و پویایی و بالندگی است که همة ما می­نشینیم و راجع به مسائل و مشکلات فکر می­کنیم و این عین مسئله­مندی است. و ما انسانهای بی­تفاوتی نیستیم و این نشان تعلق سازمانی ماست و این یک سرمایه است. من 9 پرسش دارم که می­تواند خوراکی برای جلسة آینده باشد:

1. اگر ما پذیرفتیم که اینجا پژوهشگاه است آیا باید روش ادارة آن با دانشگاه فرق کند یا خیر؟ چراکه خروجی­های ما با دانشگاه متفاوت است. ما باید محصولات متفاوتی با نظام آموزشی داشته باشیم. مشخصه­های تفاوت پژوهشگاه با دانشگاه کجاست؟
2. ما چند جشنواره بین­المللی برنده شدیم؟ چند نفر از اعضاء ما به عنوان شخصیتهای بین­المللی شناخته شده­اند؟ آیا ما توانسته­ایم جایزة نوبل بگیریم؟ و یا جوایز مشابه؟ در چند جشنواره ملی، پژوهشگاه حرف اول را زده است؟ چند قطب علمی مرجع­شدة ثبت­شده ما داریم؟ ما با توجه به فلسفة ذاتی پژوهشگاه که باید بازآفرینش­گر تمدن ایران باشد و عظمت فرهنگی سرزمین باشد، چقدر توانستیم نسبت برقرار کنیم؟ چقدر جامعة ما را از این منظر نگاه می­کند؟ ما چقدر از کمیت و کیفیت کتابهای خودمان راضی هستیم؟ چه­ چیزی به پژوهشگاه ما سرآمدی می­بخشد؟ آیا ما نباید یک نهاد باشیم در ایران و یا در منطقه؟ رنکینگ پژوهشگاه چیست؟ در جلسات وزارت علوم، رنکینگ ما جزء آخرین رنکینگ سازمانهای پژوهشی ایران است. آیا ما نباید تفکر کنیم؟ تولید سرانة پژوهشی ما چقدر است؟ ما الآن که خیلی رشد کردیم رسیدیم به 29. از 104 عضو هیئت علمی که حکم کارگزینی داریم و بعضی­ها هم در حال جذب هستند ما 29 هستیم. آیا به این راضی هستیم؟ چرا ما باید طرح 16 ساله داشته باشیم؟ چرا طرح­های بی­سرنوشت ما از 50% بالاتر است؟ چه کسی باید پاسخگو باشد؟
3. ما چقدر سنجیده­ایم که طرح­های پژوهشی با کیفیت بهتر در تولید سرانة علم در تولید کتاب بهتر از آن و در برنده شده در جشنواره­ها و در افزایش رنکینگ پژوهشگاه مؤثر است؟
4. تأثیر پژوهش­های باکیفیت ما در تولید مقالات برتر و ده­ها خروجی دیگر که می­تواند نشست، کنفرانس و... باشد چقدر است؟
5. آیا اعتقاد داریم که در این کشور، پژوهشگاه باید پاسخگو باشد یاخیر؟ هیئت امنا باید به وزیر پاسخگو باشد و به تمام نهادهای حاکمیتی، به مردم، به جامعه، پاسخگو باشد یا خیر؟ شاخص­های پاسخگویی چیست؟ کارنامة ما کجاست؟
6. آیا واقعاً به پایان علم دست پیدا کرده­ایم و مستغنی شده­ایم؟ و نیاز به تعامل تخصصی نداریم؟ آموزة دینی ما این است که یادگیری پایان یافته است؟ مدیریت دانش در جهان این است که یادگرفتن پایان­ یافته است؟ دنیا اینگونه رفتار می­کند؟ پروفسوران و سرآمدان دانش در هیچ کارگاهی شرکت نمی­کنند؟ چرا در کنفرانس­ها شرکت می­کنند؟ آیا چیزی یاد نمی­گیرند؟
7. آیا ما در این تغییرات دچار سوءتفاهم نیستیم؟ عضو هیئت علمی که فرمودند مثلاً کسی که در قرن هشتم کار می­کند به چه دردِ حال می­خورد؟ این یک تلقی جالبی نیست. شما می­توانید راجع به 7000 سال پیش کار بکنید ولی به دردِ امروز بخورد و منفعت داشته باشد و ما نمی­گوییم که فقط در معاصر کار کنید. ما چه به میراث ایرانی به فرهنگ اسلامی به تمدن خودمان می­افزائیم؟ و این می­تواند ناظر به حل یک مسئله اجتماعی باشد و کمک کند. و اگر ما بخواهیم برای نسل­های آینده کارنامه داشته باشیم و مدیریت بکنیم، چگونه باید اداره کنیم؟ بخش اعظم مشکلات ما بی­توجهی به علوم انسانی است. مثلاً اگر مردم سطح فرهنگ بهداشت خود را بالا ببرند آنوقت می­تواند از خیلی از بیماریها جلوگیری شود. رشته­های علوم انسانی مانند جامعه­شناسی، روان­شناسی، علوم اجتماعی و حتی اقتصاد نیز می­تواند در این زمینه کمک بکنند. منظور این است که شما بفرمائید چه چیزی به جامعه می­افزاید؟ اگر هرکسی هر مسئله­ای دارد بپندارد که این آخرین راه­حل است، آنوقت آیا می­شود هم­افزایی داشت؟

ما باید شنونده هم باشیم و یک فهم همدلانه را دنبال کنیم و یک احساس مشترک داشته باشیم. و من تصور می­کنم آنچه اجمالاً به عنوان کارنامة پژوهشگاه وجود دارد و بروز پیدا کرده است تمام توان پژوهشگاه نیست. پژوهشگاه بسیار توانمندتر است و چرا ما باید امسال اولین سالی باشد که در جشنوارة فارابی، مقاله و یا کتاب داشته باشیم؟

**جناب آقای دکتر شجاعی جشوقانی:** باید به جامعة علمی و پژوهشکده­ها اعتماد علمی کنید و اگر اعتماد نیست با هزار کارگروه فرعی دیگر هم نمی­شود مسائل را حل نمود.

**جناب آقای دکتر سپنجی:** از پتانسیل استادیارها نیز استفاده شود. اعضاء در مدیریت پژوهشگاه مدخلیت داشته باشند. مقالات ما بیشتر در مجلات داخلی پژوهشگاه به چاپ برسد.